

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۴۹ یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸، ۵ مه ۲۰۱۹

www.kurdistanmedia.com

محاصره تروریستها

۴

آزادی سندیگایی :
حق یا عنوانی مجرمانه؟

۵

استهلاک
بنگاه‌های دروغ‌پراکنی رژیم
در خارج

۶

آغازی نو با احساسی مشترک
در بین کورد و لور!

۷

رژیم اسلامی در تنگنای شدید

سفن

فروپاشی

کریم پرویزی

جمهوری اسلامی طی حیات سیاسی و استبدادی خود طی چندین مقطع و دوره تا مرز فروپاشی و نابودی رفت اما با هزاران حبله، نیرنگ و تقلا و نیز با حراج ثروت و دارایی‌های کشور و حتی ایدئولوژی و باورهایش، خود را از خطر نابودی و مرگ نجات داد. اولین مورد از این مساله را می‌توان در جریان سال‌های آخر جنگ ویرانگر رژیم خمینی و صدام مشاهده کرد که آن زمان و طی جنگ شهرها، که شهرهای ایران و عراق موشکباران می‌شد، چشمان خود دید و خمینی ناچار شد که جام زهر را بنوشد. مقطع دیگر، بعد از رویداد تلخ رستوران میکونوس بود که رژیم جمهوری اسلامی طی پروسه‌ی دادگاه میکونوس، به عنوان آمر و عامل ترور دکتر سعید شرفکندی، رهبر حزب دمکرات کوردستان ایران، معرفی شد و خامنه‌ای و فرسنگجانی و سران رژیم، به عنوان متهمین اصلی معرفی شدند. بعد از اعلام این حکم، کشورهای اروپایی روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی به حالت تعلیق درآوردند و در نهایت جمهوری اسلامی مجبور شد تروریست‌های خود را از اروپا فراخواند و قراردادهای میلیارد دلاری را با اروپاییان منعقد کند تا خود را از این مهلکه نجات دهد. اعتراضات سال ۱۳۸۸ شمس‌ی مورد دیگری بود که طی آن میلیون‌ها نفر به خیابان‌های تهران سرازیر شدند. خامنه‌ای در آن مقطع تاریخی با مرگ و فروپاشی رژیم خود مواجه شد و برای رهایی از این مرگ

ادامه در صفحه‌ی ۲



به منظور افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی ایران، دولت آمریکا مجموعه تازه‌ای از محدودیت‌ها را بر برنامه‌ی هسته‌ای ایران اعمال می‌کند. مورخ ۴ می، آمریکا اعلام کرد که هرگونه همکاری در برنامه‌ی توسعه نیروگاه اتمی بوشهر، در چهارچوب حمایت از جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود و مجازات ویژه‌ی خود را به دنبال خواهد داشت.

مورگان اورتگاس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همزمان با اعلام این خبر تصریح کرد: هرگونه تلاش برای انتقال اورانیوم غنی شده ایران به خارج این کشور در قبال تحویل اورانیوم طبیعی، مشمول مجازات تعیین شده برای نقض تحریم‌ها می‌شود.

همچنین از رژیم ایران خواسته شده که برنامه غنی‌سازی اورانیوم را بصورت کامل

متوقف کند و در همین رابطه اورتگاس افزود: از این پس آمریکا اجازه نخواهد داد که رژیم تهران بیش از سطح مشخص شده‌ای آب سنگین ذخیره کند.

وضع این محدودیت‌ها در سالگرد خروج یکجانبه‌ی آمریکا از برجام اعلام می‌شود، خروجی که موجب اعمال دوباره تحریم‌های تعلیق شده گردید که وضعیت جمهوری اسلامی را کاملاً آشفته و بغرنج کرده است.

این تصمیم آمریکا واکنش اتحادیه اروپا را نیز در پی داشت که یکی از شرکای رژیم تهران می‌باشد. وب‌سایت رسمی اتحادیه اروپا طی انتشار خبری، اعلام کرد: فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجه این اتحادیه همراه با وزاری خارجه بریتانیا، آلمان و فرانسه با انتشار بیانیه‌ای مشترک اعلام کرده‌اند که، لغو

تحریم‌های اتمی بخش اصلی برجام بود که نه تنها احتمال گسترش روابط بازرگانی با ایران را بیشتر می‌کرد که تاثیر مستقیمی نیز بر زندگی مردم ایران می‌داشت. ناظرین سیاسی در این رابطه بر این باورند که اتخاذ چنین موضعی از سوی اتحادیه اروپا تنها می‌تواند نوعی دلجوئی از رژیم ایران باشد. مساله‌ای که مهره‌های نزدیک به علی خامنه‌ای از آن تحت عنوان "شکلات تلخ" یاد کرده‌اند.

مسئولین رژیم، تروریست‌ها کارکشته‌ای هستند ۲۲مین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در مورخ ۴ تا ۱۴ اردیبهشت در این شهر برگزار گردید. در حاشیه این نمایشگاه، مسئولین نمایشگاه که از سوی وزارت اطلاعات و نهادهای مورد اعتماد بیت رهبری تعیین شده بودند،

کوشیدند تا شخصیت و جایگاه رهبران ملت کورد بویژه دکتر عبدالرحمان قاسملو را، خدشه‌دار کنند. در نمایشگاه مذکور، بنری با تصویر دکتر قاسملو نصب شده بود که در آن اتهامات و توهین‌های متعددی به این رهبر نخبه ملت کورد، شده بود. توهین‌ها و انگ‌هایی که شایسته خود رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران است. رژیم‌ی قرون وسطایی که برای هیچکدام از ارزش‌های انسانی احترامی قائل نیست.

آنچه آشکار است جمهوری اسلامی ایران از طریق چنین برنامه‌هایی بر آن است تا تروریست بودن و جانی بودنی ذات خود را پنهان کند. رژیمی که تحت لوای مذاکره و در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۸ از طریق تیمی دیپلماتیک-تروریست توانست دکتر عبدالرحمان قاسملو را، ترور کند.

تنها چند روز بعد از این اقدام فریبکارانه‌ی رژیم در نمایشگاه بین‌المللی کتاب، که بیانگر ترس و هراس رژیم ضدبشری ایران و حقانیت فکر و اندیشه دکتر قاسملو است، علی دایی طی حضور در برنامه‌ای تلویزیونی، بصورت ناخواسته‌ای پرده از چهره‌ی یکی از عوامل اصلی ترور رهبر ملت کورد برداشت. امیر منصور بزرگیان، یکی از طراحان و عاملین اصلی واقعه‌ی تروریستی وین می‌باشد که طی این سال‌ها بعد از دریافت چندین پاداش و انتصاب در چندین مقام نظامی-امنیتی، با نام مستعار "سردار غفوری" مسئولیت حراست کل صداوسیما رژیم ایران را به عهده گرفت و سپس با هویت "مصطفی مدیر"، مدیر کلی شرکت سایپای ایران را دریافت و همزمان نیز به عنوان سرپرست تیم فوتبال سایپا گماشته شد.

بیانیه مرکز همکاری احزاب کردستان ایران به مناسبت روز جهانی کارگر

اول و سوم بیشترین میزان بیکاری را به خود اختصاص دادند.به علاوه سالانه ده‌ها نفر در کردستان به علت بیکاری به کولبری پناه می برند و در این راه آماج شلیک مستقیم نیروهای تروریستی جمهوری اسلامی قرار می گیرند. علیرغم همه این مشکلات باید گفت که امروز"اول ماه می" از یک رخداد طبقاتی، تبدیل به بلندگویی جهانی برای اعلام حمایت و پشتیبانی علیه بی عدالتی و صلح و به ثمر رساندن آزادی و عدالت اجتماعی شده است.

خجسته باد اول ماه می
روز جهانی کارگر
زنده باد آزادی و عدالت
مرکز همکاری احزاب
کردستانی ایران

تیمسار سر لشکر ناصر فربد از دوستان نزدیک حزب دمکرات دارفانی را وداع گفت



که کالای این کاسبکاران به دست آنان بیافتد. بعد از اعتراض شهروندان کورد به این اقدام، نیروهای انتظامی مجبور به عقب نشینی شده و نتوانستند کالاهای کاسبکاران را ضبط کنند. رژیم اسلامی ایران، با کولبران و کاسبکاران در کوردستان تحت عنوان قاچاقچی کالا، رفتاری غیرانسانی و غیراصولی رفتار می‌کند، این در حالی‌ست که حکومت بصورت تعمدی در کوردستان هیچگونه سرمایه‌گذاری جهت اشتغالزایی نمی‌کند و در نتیجه مردم از روی ناچاری به کولبری پناه می‌برند.

کارگری بوده است و همواره از حق روای کارگران و زحمتکشان دفاع کرده است هیچ شکی نیست جمهوری اسلامی یکی از ضد کارگری ترین حکومت های منطقه جهان است، که از طریق سازماندهی و حمایت گروه و دسته‌های مافیایی اقتصادی ترسناک و تاثیرگذاری بر جریان های حیاتی زندگی مردم فقیر وزحمتکش رادچار سیاهی و تباهی کرده است . آمارهای ترسناک ۷میلیون کودک کار و خیابانی این ادعا را ثابت می کند. در کردستان مردم به علت تبعیض و اقتصادی به حاشیه رانده شده، با موج عظیم بیکاری مواجه شده‌اند. برای نمونه درسال گذشته استان های کرمانشاه و سنندج به ترتیب رتبه های

کارفرمایان ونمایندگان قدرت را فراهم کرده است علیرغم نبود امنیت و ضمانت اقتصادی و اجتماعی و شغلی،همچون بیمه بیکاری و فراهم کردن حقوق اجتماعی و امنیتی محل کار و چندین مشکل دیگر که کارگران با آن مواجه اند، تعداد زیادی از کارگران کردستان حتی طبق همین قوانین ناقص کار جمهوری اسلامی به عنوان کارگر شناخته نمیشوند و به همین علت بسیاری از این قوانین ناقص هم شامل حالشان نمیشود، و این آزارو رنج آنها را دو چندان کرده است این در حالی است که جنبش ملی و دموکراتیک ملت کرد و مبارزه حق طلبانه ملت کرد همواره پشتیبان جنبش

و زحمتکشان در حالی به استقبال این روز می روند که تورم اقتصادی، بیکاری و گرانی، عدم امنیت شغلی و جانی به اوج رسیده، مافیای دزدی و غارت باندهای قدرت، قوانین ضد کارگری حکومت تبدیل به یک مسئله عادی شده است و همچون اختاپوسی برروی زندگی بیشتر مردم کردستان و به ویژه قشر کارگر و زحمتکش سنگینی میکند جمهوری اسلامی با حمایت مستقیم دستگاهای امنیتی و سیاسی کردن مطالبات و مشکلات کاری، کارگران ، همچنین زندانی کردن وتعقیب رهبران و فعالین کارگری، زمینه مساعدی برای په حاشیه راندن هر نوع تشکیلات و سندیکاهای کارگری ، توسط

اگر به صورت گذرا رخدادهای های سال گذشته را مرور کنیم در سطح جهانی علیرغم گسترش مبارزه و مطالبات عدالتخوانه و قیام گستردهو نارضایتی جمعیت بزرگ کارگری یر ضد سیستم و نظام ناعدلانه سرمایه داری و اینکه شاهد شکست و درماندگی نتولیرالیسم در حل بحران های اقتصادی،اجتماعی و سیاسی بوده ایم، اما متأسفانه علیرغم همه ی این مسایل ، شکاف های طبقاتی عمیق تر شده و نظام سرکوب و غارتگر ثروت و منابع جامعه انسانی استیلای خود را نشان داده و تا به امروز شعار کار،آزادی، آیینه ی تمام نمای خواست و مطالبه خیل عظیم جامعه انسانی است در کردستان و ایران، کارگران

مرکز احزاب کردستان ایران به مناسبت روز جهانی کارگر، اول ماه می بیانیه ای را منتشر کردند.

متن بیانیه بدین شرح است:

کارگران و زحمتکشان، مردم آزادیخواه کردستان! همچنان که آگاهید به استقبال ۱۱ اردیبهشت ماه که مصادف است با اول ماه می، روز جهانی کارگر می رویم . در این روز به روان پاک همه کسانی که در راه آزادی و برابری و عدالت جان عزیزشان را فدا کردند، درود می فرستیم. دستهای خسته فرد به فرد همه زحمتکشان فکر و عمل را می فشاریم و مقاومت و فداکاری فعالان و تلاشگران زندانی را ارج می نهیم، و برای فداکاری و مقاومت خانواده هایشان سر احترام و تعظیم فرود می آوریم

ادامه‌ی سخن

حتمی با اوپاما به تفاهم رسید و بصورت پنهانی به او وعده داد که دست از برنامه‌ی ساخت سلاح اتمی خواهد کشید، به این شرط که آنان نیز از معترضین پشتیبانی نکنند! حال نیز بعد از دخالت‌های رژیم اسلامی ایران در منطقه و اشاعه تروریسم، جمهوری اسلامی بار دیگر تحت فشار همه جانبه‌ای قرار گرفته و فشارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی، چنان این رژیم را برآشفته که نه تنها توان تصمیم‌گیری را از آن صلب کرده بلکه هر بار و در گوشه‌ای از ایران، که می‌کوشد ضعف و کمبود و مشکلات‌ها را لاپوشانی کند از این امر عاجز است و با شکست روبه‌رو می‌شود. پیاز، گوجه، نان، بنزین، سیل، مرغ و تخم مرغ و... آنچنان رژیمرا در تنگنا قرار داده که توان هیچ اقدامی را ندارد، رژیمی که مدعی مدیریت و کنترل جهان بود! حال نیز رژیم اسلامی به جای تامین نان و مایحتاج مردم و نیز کمک به سیل‌زدگان، نیروی سرکوبگر به مناطق آسیب‌دیده می‌فرستد تا مصیبت‌زدگان و لشکر فقرا را ساکت کند. به رغم این تعلل‌ها و ناکارآمدی‌های بحران‌زای رژیم، مسئولان عالی رتبه‌ی جمهوری اسلامی نیز که شاهد احتضار و جان دادن حکومت خود هستند، هر کدام به دنبال بهانه‌ای هستند تا حساب خود را از رژیم جدا کرده و از این طریق از جان خود و ثروتی که به غارت برده‌اند، حفاظت کنند. این رژیم که از هم گسسته و بنیاد آن فروپاشیده است، روی لبه‌ی مرگ، به دنبال شاخه‌ای است که آن را بگیرد تا به عمق یرنگاه نابودی سقوط نکند. ولی هزینه‌ی رهایی و نجات از این مهلکه در این مقطع بسیار گران است و شاید دیگر چیزی در چنته نداشته باشد که در ازای تداوم حیات‌اش، آن را بفروشد.

دکتر کمال سیدو با حزب دمکرات دیدار کرد

و صحیح دکتر قاسملو نسبت به دخالت نکردن در امور بخش‌های دیگر کوردستان اشاره کرد و اذعان نمود ضروری است همه بخش‌های دیگر کوردستان از این سیاست اصولی و درست پیروی کنند. در این دیدار؛ به نسبت سیاست بین المللی کهر اساس منافع بنیاد نهاده شده‌اشاره شد و دو طرف در این نشست تاکید کردند که ملت کورد نیز سیاست خود را طبق منافع ملی خود تبیین نماید.

دمکرات به سرپرستی حسن شرفی، معاون یکم مسئول اجرایی حزب دمکرات مورد استقبال قرار گرفت. در این نشست، سخنانی پیرامون مسئله کورد در کوردستان سوریه وکوردستان ایران مورد بحث قرار گرفت. در این مباحث به سیاست حاکم بر کوردستان اشاره گردید و همچنین سیاست استقلال احزاب را برای دستیابی و حفاظت از حقوق ملت کورد مهم وصف کردند. در این دیدار، دکتر کمال سیدو، به سیاست واقع بینانه

یکی از شخصیت‌های سیاسی کوردستان سوریه، با حزب دمکرات کوردستان ایران دیدار بعمل آورد و طی این دیدار مسائل مهم مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. روز دوشنبه، دوم اردیبهشت ماه، دکتر "کمال سیدو" مسئول بخش خاورمیانه در"سازمان حمایت از ملت‌های مورد تهدید واقع شده" در آلمان و یکی از شخصیت‌های سیاسی کوردستان سوریه، با هیئت اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران دیدار کرد. سیدو از سوی هیئتی از حزب

فرماندهان همیشه فرمانده خواهند بود



و متعهد بر اهداف خود پابرجا ماند. حزب دمکرات کوردستان ایران، ضمن ابراز تاجر و تاسف خود برای از دست دادن فرمانده نستوه، مراتب تسلیت خود را به خانواده، بستگان و نزدیکان وی تقدیم می‌دارد.

فرمانده حسن، به سبب فعالیت و حمایت از حزب دمکرات کوردستان ایران همیشه تحت نظر رژیم‌های حاکم بر کوردستان بوده است، اما ایستادگی و مقاومت آنها همیشه دشمن را به زانو درآورد. نامبرده تا آخرین لحظات زندگی خود وفادار

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران نشستی را برگزار کرد

همچنین در ادامه این نشست تصمیم گرفته شد آماده‌کاری لازم را برای برگزاری چندین مراسم ویژه در داخل و خارج کوردستان به مناسبت ۲۸ مردادماه؛ سالروز یورش درندانه رژیم اسلامی ایران به کوردستان، انجام دهند.

در حاشیه این نشست نیز در مورد اقدام آمریکا در خصوص تروریست شناساندن سپاه پاسدارا رژیم اسلامی ایران و بیانیه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در این زمینه به گفتگو پرداختند .



طرفین این نشست پیشنهاد دادند که در آستانه روز جهانی کارگر بیانیه‌ای را منتشر کنند.

نظرات خود را ابراز داشته و تصمیم گیری لازم را انجام دادند.

کوردستانی و روابط بین المللی مورد مناقشه قرار گرفت. در این باره طرفین نشست

بیانیه همبستگی برای آزادی و برابری در ایران به مناسبت روز جهانی کارگر

تحسین و با وجود پرداخت هزینه های سنگین ، به نبرد و مبارزه حق طلبانه خود ادامه می دهند.
اول ماه مه روز همبستگی و اتحاد ما برای طنین انداختن "نه" مردم به این اوضاع است.
"نه" به ظلم، "نه" به استبداد و استثمار، "نه" به جمهوری اسلامی!

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" *
اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ - ماه می ۲۰۱۹
***— احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده:**
"کومه له زحمتکشان کردستان، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب مردم بلوچستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، جنبش جمهوریخواه دموکرات و لائیک ایران، اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک"



نابرابری در سرتاسرایران دارد. در همین راستا و در آستانه روز جهانی کارگر، تشکل ها و نهادهای کارگری ، فرهنگیان، دانشجویان و.. با انتشار فراخوان های گوناگونی ،مردم را دعوت به تجمع اعتراضی کرده اند. رژیم جنایتکاراسلامی حاکم بر ایران ، در هراس از جنبش اعتراضی اقشار گوناگون مردم و در تداوم سیاست های سرکوبگرانه خود، تعدادی از فعالان کارگری را بازداشت کرده وبه عبث می کوشد ازگسترش این اعتراضات جلوگیری کند. اما کارگران و زحمتکشان جان به لب رسیده ، با شهامت و شجاعتی قابل

مردم نان ندارند بخورند، در حالیکه بخش عمده بودجه کشور، توسط افراد یا نهادهای مختلف نظام، اختلاس یا صرف سرپا نگهداشتن این حکومت و دستجات تروریستی اسلامی در خاورمیانه می‌شود. در شرایطی به اول ماه مه نزدیک میشویم که موج جنبش های مختلف از اعتراضات هفت تپه تا فولاد اهواز، از مبارزات فرهنگیان و مالباختگان تا دانشجویان، از مبارزات خانواده های کارگری تا حمایت و شرکت فعال زنان، همه و همه نشان از"نه بزرگ" اکثریت مردم به اوضاع آکنده از فقر، اختلاس، تباهی، اختناق، به تبعیض و

ساختند، مسلحانه مورد حمله قرار گرفته وکشتار می شوند. از صد سال پیش به این طرف، جهان از همه سو تغییر کرده و بکلی دگرگون شده است، اما وضع طبقه ای که خود خالق ثروت و رفاه در جهان هست، همچنان تباه است. در ایران، این تباهی فقط دامنگیر کارگران نیست. اکثریت عظیم این جامعه به معنی اخص کلمه با فقر و محرومیت و گرسنگی و فلاکت دست و پنجه نرم میکنند. درست در حالیکه نظام جمهوری اسلامی در طی این چهل ساله یک قشر جدید میلیاردرهای آقا زاده، آیت الله هایی با حسابهای نجومی تحویل جامعه داده است.

را دچار، فقر، گرسنگی و بیکاری و آسیب های ناهنجار اجتماعی دیگر، نظیر کودکان خیابانی، زنان تن فروش، کارتن خواب و گور خواب کرده است. ۱۳۰ سال پیش کارگران در سرتاسر جهان، اول ماه مه را به عنوان روزی نمادین دراعتراض به استثمار، تبعیض و نابرابری و روز مبارزه مشترک برای جهانی بهتر و عادلانه تر، برگزیدند. هرچند نظام سرمایه داری همچنان بر جهان حاکم است، اما در پی مبارزات کارگران در بسیاری از کشورها، آنان از برخی حقوق از جمله داشتن سندیکا و حق اعتصاب و اعتراض برخوردارند. در کشور ایران اما، نه تنها اعتصاب ممنوع، تظاهرات و تجمع غیر قانونی است بلکه رهبران و فعالان جنبش کارگری مورد ضرب و شتم قرارگرفته و دستگیر، شکنجه و زندانی می شوند. کولبران کردستان که روزمره به خاطر یک لقمه نان راههای صعب العبور کوهستانی را می پیمایند و حق و حقوقشان درحد بردگانی است که اهرام مصر را

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه‌ای را منتشر کرد.
متن بیانیه به این شرح است:
پرتوان باد اتحاد مبارزاتی توده های ستمدیده
در آستانه ی اول ماه مه، روز جهانی کارگر قرار داریم. بیش از ۱۳۰ سال است که اول ماه مه به روز همبستگی بین المللی کارگران جهان و اعتراض آنان علیه نظام سرمایه‌داری و بی عدالتی ها و تبعیضاتی که ازنتایج این سیستم می باشند، تبدیل شده است. در ایران طبقه کارگر و میلیونها مزد بگیر و حقوق بگیر در شرایطی به پیشواز اول ماه مه می روند که ۴۰سال حاکمیت "جمهوری اسلامی"، نه تنها کارگران و میلیونها خانواده را به خاک سیاه نشانده است، بلکه یک جامعه ۸۰ میلیونی را در زندانی بزرگ به وسعت ایران، گرفتار سرکوب های بی امان ساخته است. حاکمیتی که سران جنایتکار، غارتگر و فاسد آن ازیک سو سرمایه های افسانه ای به جیب زده اند و از سوی دیگر جامعه

اندیشه‌ی قاسملو کاخ دیکتاتور را به لرزه انداخته است



ایران فصلی تازه از مبارزات خود را تحت عنوان "راسان" اعلام نمود؛ در خیابان‌های تهران بنری را منتشر کردند که حزب دمکرات کوردستان ایران در میان مردم دارای پایگاه اجتماعی است. تهدید مستقیم ترور کادر، پیشمهرگه، رهبری و اعضای حزب دمکرات نشان از این واقعیت است که حزب دمکرات در میدان مبارزه همچنان استوار است. بی ادبی و اهانت مسئولان شونیستی تهران

ایران فصلی تازه از مبارزات خود را تحت عنوان "راسان" اعلام نمود؛ در خیابان‌های تهران بنری را منتشر کردند که حزب دمکرات کوردستان ایران؛ حزبی منحلّه بوده و جایگاهی در بین مردم ندارد. این سری اقدامات رژیم ایران حاکی از آن است کهرژیم خود متوجه آن بوده که مردم کوردستان همواره حامی و پشتیبان حزب دمکرات کوردستان ایران بوده و رهبران

مسئولان رژیم اسلامی ایران به جایگاه حزب دمکرات کوردستان ایران و شان و منزلت دکتر قاسملو اعتراف می‌کنند. طبق گزارش رسیده به وب‌سایت کوردستان میدیا، مسئولان رژیم اسلامی ایران به مانند سنت و فرهنگ همیشگی خود، دوباره به حزب دمکرات کوردستان ایران یورش کرده و به شان و منزلت دکتر قاسملو نیز توهین کرده‌اند.

در میانه سی‌ودومین دوره نمایشگاه کتاب تهران؛ مسئولان دیکتاتور و جنایتکار تاران در بنری منقش به تصویر دکتر قاسملوو؛ ادعای واهی کرده‌اند که حزب دمکرات "منحلّه" است و دکتر قاسملو نیز وابسته به بیگانگان بوده‌است. نشر چنین پوستر و بنرهایی از سوی سرکردگان رژیم تهران اقدامی تازه نیست و در سال ۹۵ نیز زمانی که حزب دمکرات کوردستان

فیلم کوتاه پیشمرگه برنده جایزه بین المللی شد

فیلم کوتاه پیشمرگه، جایزه ۱۸مین جشنواره بین المللی بیروت را به خود اختصاص داد. فیلم کوتاه پیشمرگه به نام "روویه‌رووبوونوه‌وی مهرگ" (روبرو شدن با مرگ) با کارگردانی "سرور عبدالله"، از اقلیم کوردستان عراق، در۱۸مین جشنواره بیروت پایتخت لبنان، به عنوان بهترین فیلم دکومنتار انتخاب شد . این فیلم در مورد قهرمانی پیشمرگه‌ها درجنگ با تروریستان داعش، و به طور ویژه در مورد پیشمرگه‌هایی می‌باشد که وظیفه‌شان خنثی کردن مین‌های کار گذاشته شده و به جا مانده تروریستان داعش است. هیئت داوران جشنواره در مورد این فیلم کوتاه دکومنتاری اذعان

داشتند؛ "این فیلم در مورد این موضوع مهم می‌باشد که پیشمرگه‌ها با به خطر انداختن و فدا کردن جان خود، زندگی هموطنانشان را نجات می‌دهند." سرور عبدالله، کارگردان فیلم در مورد ساختن و کارگردانی آن اظهار داشته که این فیلم در شرایط سختی فیلمبرداری شده وهزمان با جنگ تروریستان داعش بوده و خیلی وقتها به همین دلیل به مرگ نزدیک شده‌ایم. ۱۸مین جشنواره داخلی فیلم بیروت که کمتر از یک هفته در شهر بیروت پایتخت لبنان برگزار شد، روز دوشنبه ۲ اردیبهشت با شرکت صدها فیلم متفاوت در کشورهای جهان شروع شد و روز یک شنبه ۸ اردیبهشت پایان یافت.

رژیم ایران از طریق عوامل خود مواد مخدر توزیع می کند

آسیب‌های اجتماعی، ده‌ها سال است که جامعه ایران را دچار بحران و مشکلات ویژه‌ای کرده است، این پدیده‌ی خانمانسوز از دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی تا کنون در حال گسترش بوده و طی چند سال اخیر توزیع و مصرف مواد مخدر در میان قشر دانشجویان و دانش‌آموزان افزایش چشم گیری داشته است و هیچ اقدامی جهت حل این مضل میدیا در این زمینه اذعان داشت: "به دلیل اینکه اقتصاد ایران در وضعیت نامناسب و آشفته قرار گرفته است، رژیم از این وضعیت به عنوان فرصتی برای جذب جوانان جهت توزیع مواد مخدر استفاده می‌کند".

رژیم اسلامی ایران از طریق عوامل و دست‌نشانده‌های خود در کوردستان مواد مخدر توزیع می‌کند. رژیم ایران در منطقه‌ی شامیان مریوان، از طریق چهار گماشته خود که جزء مزدوران سپاه تروریستی پاسداران در این منطقه می‌باشند، در شهر مریوان، سنندج، پاوه، ثلاث‌باباجانی مواد مخدر توزیع می‌کنند. خبرنگار وب‌سایت کوردستان میدیا در این زمینه اذعان داشت: "به دلیل اینکه اقتصاد ایران در وضعیت نامناسب و آشفته قرار گرفته است، رژیم از این وضعیت به عنوان فرصتی برای جذب جوانان جهت توزیع مواد مخدر استفاده می‌کند".

اعتیاد به عنوان یکی از



پر رنج، چشم بر جهان بست؛ نامبرده نزد کوردستانی‌ها همچون فرهاد از او یاد می‌شود و اسمش برای همیشه در قلب مردم زنده خواهد بود.

و عشق و علاقه‌ی خود را به حزب دمکرات و دکتر قاسملو، ابراز می‌دارد. "خالو حسه‌ین کوکه‌ن"، پنجم اردیبهشت ۱۳۹۵، در شهر پاوه، بعد از ۸۶ سال زندگی

کلنگ، در طول ۲۱ سال، به وی لقب فرهاد دوم داده شده است. "خالو حسه‌ین" سال‌ها قبل و در فیلمی کوتاه که از وی پخش شده بود، پرچم کوردستان را در دست دارد

در تالار مولوی دانشگاه کوردستان در سنندج، مراسم نکوداشت "خالو حسه‌ین کوکه‌ن" برگزار شد. در تاریخ ۴ اردیبهشت، این مراسم با همت انجمن‌های دانشجویی دانشگاه کوردستان، برگزار شد؛ چند روز قبل از این مراسم، نمایشگاهی از تصاویر "خالو حسه‌ین کوکه‌ن" برپا شده بود و تصاویری نایاب از "خالو حسه‌ین کوکه‌ن" و میراث گرانبهایش در قلب کوه، به نمایش گذاشته شد. حسین عثمانی، مشهور به "خالو حسه‌ین کوکه‌ن"، شخصیتی کورد است که به دلیل حفرکردن یازده اتاق داخل کوه "قاوگیره" با یک پا و یک

محاصره تروریست‌ها

بخش اول: چرایی قراردادادن سپاه در لیست ترور آمریکا



آکری اسماعیل نژاد

سرانجام به صورت رسمی روز ۲۶ فروردین ۱۳۹۸ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در لیست سازمان‌های تروریستی ایالات متحده قرار گرفت.

حضور سازمان تروریستی سپاه در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا از لحاظ امنیتی در معادلات خاورمیانه می‌تواند به چه مفهومی باشد؟ پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا به عنوان یک ابر قدرت که منافعی به وسعت کره خاکی دارد در جغرافیای حاکمیتی‌اش دچار ضربه‌ای مهلک شد.

رفتار حاکمان آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، جنگ افغانستان و عراق و همچنین فشارهای سیاسی و اقتصادی که آمریکا پس از آن به کشورهای مسلمان وارد کرد، بعضی از طرفداران این حمله تروریستی را به این نظریه رساند که حمله وسیع در جغرافیای آمریکا زبان آن بیشتر از منافع آن است، این نگاه که یک پایه فقهی هم دارد، مسبب آن شد، رژیم ایران که رسالت کنونی خود را در تقابل با آمریکا تعریف کرده است، محدوده مخالفت خود با آمریکا را به جغرافیای غرب آسیا محدود نماید.

اهمیت جغرافیای مخالفت ایران با منافع آمریکا در ارزش منافعی است که آمریکا در این جغرافیا برای خود قائل است، چون مشخص است که در صورت در خطر بودن منافع آمریکا در خاورمیانه، این میزان حساسیت و اهمیت آن منافع است که سطح واکنش آمریکا را تعیین می‌کند.

در خاورمیانه یا به تعبیر جمهوری اسلامی در غرب آسیا، آمریکا سه منفعت کلان را برای خود تعریف کرده‌است: ۱: تأمین امنیت انرژی‌های فسیلی از استخراج تا رسیدن به بازار مصرف

۲: تأمین امنیت اسرائیل

۳: تلاش برای کنترل، مدیریت و تضعیف جریانات رادیکالاسلامی که خواستگاه اصلی انسانی، فکری و مالی آن‌ها کشورهای موجود در خاورمیانه است.

ایران به عنوان یک کشور اسلامی که در خاورمیانه قرار گرفته است، یک تولید کننده نفت است که قسمتی از تنگه

استراتژیک هرمز بخشی از سرزمین آن محسوب می‌شود، ایران بارها تهدید بستن تنگه هرمز را به عنوان اهرمی علیه آمریکا و اقتصاد جهانی مطرح کرده است، حاکمان این کشور در ۴۰ سال گذشته بارها اسرائیل را تهدید به نابودی کرده‌اند.

جمهوری اسلامی، یک رژیم توتالیتراسلامی است که سران آن بعد از آنکه قدرت را به دست گرفتند، به عنوان یکی از حامیان گروه‌های رادیکالیسم اسلامی همه نوع حمایت را از گروه‌های اسلامی رادیکال انجام داده است.

در یک کلام، ایران در شرایط حال و در گذشته چهل ساله به عنوان یک قدرت در منطقه خاورمیانه تقریباً در هر سه سطح منافع آمریکا در خاورمیانه را به چالش طلبیده است.

ایرادهای ایران برای مقابله با آمریکا

جمهوری اسلامی در ۴۰ سال گذشته تلاش کرده است، به مشخصی چهار ابزار را به عنوان راهکار مقابله با آمریکا بکار بگیرد:

۱: سیاست خارجی غرب بدون آمریکا

بعد از آنکه جمهوری اسلامی، سیاست آمریکا ستیزی را به بخشی از ایدئولوژی خود تبدیل کرد، در عمل این رژیم سیاست غرب بدون آمریکا را پیرو کرد، تا از این طریق از وابستگی تکنولوژیکی و علمی به آمریکا جلوگیری نماید و همزمان میزان ضربه پذیری اقتصادی خود را کاهش دهد.

۲: دیپلماسی چند جانبه

طراح این سیاست "محمد جواد ظریف" وزیر خارجه کنونی جمهوری اسلامی است، در این سیاست تلاش می‌شود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی ایران به دو هدف مشخص دست یابند:

آ: سازمان‌ها و ائتلاف‌های بین المللی را به ابزاری برای بازدارندگی آمریکا علیه ایران تبدیل کند.

ب: دیپلماسی چند جانبه به عنوان متدی جلوگیری از رودروی با آمریکا است، ایرانی‌های این سیاست را برای شرایط حساس بین ایران و آمریکا در نظر گرفته‌اند، بر پایه این متد در شرایط ضروری ایران برای جلوگیری از رودروی مستقیم با آمریکا بدون اینکه به چهره آمریکا ستیز خود از لحاظ ایدلوژی ضربه بزند به توافقاتی می‌رسد که آمریکا بخشی از آن است. مانند توافق هسته‌ای برجام.

۳: تروریسم

در مساله ارتباط بین جمهوری اسلامی و آمریکا این رژیم از آغاز حضور در قدرت و پس از حمله به سفارت آمریکا در تهران در عمل بارها از طریق بکارگیری گروههای تروریستی علیه آمریکا در تلاش بوده است که به دو امر دست یابد:

آ: ضرباتی به ارتش آمریکا

وارد کند.

ب: از چرایی شدن طرح و سیاست‌های آمریکا در منطقه جلوگیری نماید.

در بکارگیری گروه‌های تروریستی علیه منافع آمریکا، سپاه پاسداران نقش اساسی را ایفاء کرده و این نیروها در عمل تحت فرمان مستقیم سپاه قدس که یکی از شاخه‌های سپاه پاسداران است، اعمال تروریستی خود را انجام می‌دادند.

۴: سیاست گرایش به شرق

جمهوری اسلامی در سیاست غرب بدون آمریکا به دلیل ترورهای که در جغرافیای اروپا انجام داد و همچنین به دلیل حساسیت اروپای‌های به ماجراجویی‌های موشکی و هسته‌ای جمهوری اسلامی در عمل شکست خورد.

رشد سریع چین و تبدیل شدن این کشور به دومین قدرت اقتصادی جهان و همچنین همکاری موردی روسیه با جمهوری اسلامی در سیاست‌های آمریکاستیزی زمینه این را فراهم کرد که جمهوری اسلامی در چند سال گذشته خواهان ایجاد راهبرد گرایش به شرق باشد.

گرایش به شرق برای جمهوری اسلامی در سطح بدنه ایدئولوژیکی می‌تواند به منزله تلاش برای ایجاد یک ائتلاف آمریکاستیز قلمداد شود، و جدا از این مساله می‌تواند چالش حقوق بشر را از سر جمهوری اسلامی بگذراند، چون مشخصا اروپای‌ها بر پایه مطرح کردن بحران حقوق بشری در ایران معمولاً از جمهوری اسلامی امتیازات سیاسی و اقتصادی می‌گیرند، باتوجه به اینکه کشورهای شرقی گفتمان حقوق بشر را پایه سیاست خارجی خود نکرده‌اند، یکی از دلایل گرایش به شرق در سیاست خارجی ایران ، مساله بحران حقوق بشر در ایران است.

اما دلیل اصلی این گرایش تلاش برای پرکردن خلاء تکنولوژیکی و عدم ارتباط اقتصادی با آمریکا است.

چهار ابزار یا راهکار فوق در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی از دو نقطه مشترک برخوردار هستند: اول، ضدیت کردن با منافع آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا دوم، مقاومت در برابر فشارهای امریکا که در پی این ضدیت ایجاد می‌شود.

مشخص است که آمریکا از رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی مطلع است و بر همین اساس هم این کشور تقریباً در ۳۸ سال گذشته ابزار اقتصادی و در حالت‌های نادر حمله نظامی را به عنوان ابزاری برای کنترل سیاست‌های آمریکاستیزی ایران بکار گرفته است.

اضافه کردن سپاه به لیست ترور برای آمریکا به چه معنی است؟

جدا از مساله آمریکاستزی که به بخشی از سیاست خارجی

رسمی و غیررسمی جمهوری اسلامی تبدیل شده است، باید اهمیت این رفتار آمریکا را در مساله نفوذ سپاه پاسداران در گروه‌های رادیکال اسلامی و نقش این سازمان در سیاست آمریکا ستیزی دید.

برای تبیین بیشتر باید اظهار کرد که خاورمیانه در عصر پساداعشی قرار دارد، این عصر از این جنبه‌ها دارای اهمیت است:

۱: حضور داعش و القاعده در جغرافیای سنی کشورهای اسلامی از جمله سوریه، افغانستان و عراق این کشورها را با نابودی زیرساخت‌ها روبرو کرده است و این مساله موضوع "مبارز بودن این سازمان‌ها" را در بین جامعه اسلامی کاملاً به حاشیه رانده و تقریباً جامعه مسلمانان اهل سنت به این نتیجه رسیده‌اند که سازمان‌های رادیکال همچون داعش نتیجه‌ی جز کشتار بیشتر مردم مسلمان و نابودی کشورهای اسلامی ندارد.

۲: حضور کشورهای مانند سعودی، امارات و مصر در ائتلاف آمریکای که برای تقابل با نفوذ ایران در کشورهای عربی تشکیل شده است، می‌تواند به منزله کاهش حمایت آن‌کشورها از جریانات رادیکال اسلامی که خواستگاه تروریسم سلفی جهادی است، باشد و این مساله از آن لحاظ اهمیت دارد که در عمل ما با دو نوع تروریسم اسلامی روبرو هستیم، یک شاخه شیعی و یک شاخه سنی، چنانچه کشورهای سنی از حمایت از گروه‌های رادیکال دست بکشند، این جریانات بیشتر و بیشتر به حاشیه رانده می‌شوند و نقش خود را در معادلات از دست می‌دهند، هر چند ایران به صورت موردی از تروریسم سلفی جهادی نیز حمایت می‌کند،

اما ایران در واقع اصلی‌ترین حامی تروریسم شیعی است و با به حاشیه راندن تروریسم اسلام سنی نقش تروریسم اسلام شیعه در معادلات محرزتر خواهد بود، در شرایط کنونی فشار بر سپاه در راستا کاهش حمایت این سازمان تروریستی از گروه‌های تروریستی شیعه است، و مشخص است که شاخه‌های تروریسم اسلام شیعه تا حال حمله به منافع اسرائیل را به عنوان هدف خود تعیین کرده‌اند.

۳: سقوط صدام، بهار عربی ، قدرت‌گیری داعش در فاصله ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ زمینه حضور جمهوری اسلامی در کشورهای اسلامی و امکان تحقق هلال شیعه را فراهم کرد؛ این مساله مسبب آن شده است، دو کشور قدرتمند منطقه، اسرائیل و پادشاهی سعودی از لحاظ امنیتی دچار مخاطره شوند، سازمانی که برای تحقق هلال شیعه عملاً اقدام می‌کند، سپاه پاسداران است و این سازمان با تشکیل دهها گروه کوچک و بزرگ در کشورهای اسلامی در ۴۰

سال گذشته امنیت خاورمیانه را به چالش طلبیده و در عمل بارها مسبب جنگ‌ها نیابتی موجود در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا" منا" شده است و تقریباً تمامی جنگ‌های نیابتی منطقه نیز یا در ضدیت با منافع آمریکا در خاورمیانه هستند یا در ضدیت با امنیت پایدار کشورهای اسرائیل و پادشاهی سعودی هستند.

۴: یکی از مهمترین دلیل انتخاب سپاه به عنوان یک گروه تروریستی از طرف آمریکا، نقش و گستردگی حضور سپاه در حاکمیت جمهوری اسلامی است.

رژیم توتالیترا اسلامی موجود در ایران، سپاه را به عنوان نگهدارنده و گسترش دهنده ساختار ایدئولوژیک خود تعریف کرده است، پس در واقع سپاه قدرت در سایه جمهوری اسلامی است و آمریکا از این طریق می‌تواند، فشاری حداکتری بر ساختار ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی وارد کند و تا کلیت ساختار را ناچار نماید که به خواسته‌های آمریکا وقع بنهد.

به تعبیر دیگر در عمل "نقطه قدرت" جمهوری اسلامی که برای ماندگاری ساختار توتالیترا خود و تحقق سیاست صدور انقلاب تعریف شده است، به یک نقطه ضعف بزرگ آن رژیم تبدیل شده و در شرایط کنونی برای فشار به جمهوری اسلامی و حتی برای سقوط این رژیم تنها لازم است، سپاه از بین برود؛ در صورتی که سپاه با بحران روبرو شود، کلیت رژیم در بحران و دصورتی که سپاه دچار فروپاشی گردد، کلیت رژیم دچار فروپاشی خواهد شد.

در واقع عصر پساداعشی به معنی کاهش قدرت گروه‌های تروریستی سنی مذهب است و حذف آن‌ها در معادلات کلان امنیتی و اقتصادی است.

در این عصر گروهی که هنوز می‌تواند، معادلات در کلان امنیتی و اقتصادی منطقه نقش ایفاکند، گروه‌های تروریستی شیعه مذهب هستند.

در مقطع پساداعش مهمترین گروه تروریستی و بالاترین خطر در این زمینه، سازمان‌های تروریستی شیعه هستند، در عمل آمریکا برای پایان دادن به سیاست "جنگ با تروریسم" ناچار است با این گروه‌ها روبرو شود، این کشور با فشار به سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی خواهان کوچک و به حاشیه راننده شدن گروه‌های تروریستی شیعه است.

با به تروریستی شناختن سپاه از طرف آمریکا باید گفت که ایالات متحده می‌خواهد، قدرت سازمان‌های تروریستی شیعه را از آن‌ها بگیرد و آن‌ها را از معادلات خاورمیانه حذف کند، و این تلاش در راستای حفاظت از منافع آمریکا در خاورمیانه است.

پس آمریکا با انتخاب این

کوردستان

سیاست جغرافیای جنگ با تروریسم را به وسعت منافعی تعریف کرده است، جغرافیای این سیاست در دولت باراک اوباما در هاله‌ای از ابهام قرار داشت.

در چنین شرایطی می‌تواند ادعا کرد، سیاست "جنگ با تروریسم" آمریکاکه مدع آن بوش پسر بود، به حساس‌ترین مقطع خود رسیده است و در صورتی که آمریکا بتواند با فشار بر سپاه، جمهوری اسلامی را متقاعد نماید که دست از تقویت و گسترش تروریسم شیعه بکشد، در عمل آمریکا به پایان خط ، "جنگ با تروریسم" رسیده است و بعد از آن هیچ گروه تروریستی اسلامی از این قدرت برخوردار نخواهد بود که امنیت یک کشور را تهدید کند و در معادلات کلان امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی نقش ایفا نماید.

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا این سیاست را این چنین تشریح کرد: " بگذارید درباره تحریم‌های مشخصی صحبت نکنیم.

ابتدا باید به جایی بازگردیم که این تصمیم گرفته شد.

باید یک قدم به عقب برگردیم.
مأمریت ما این است که در خاورمیانه صلح و ثبات ایجاد کنیم. به همین سبب برای شکست دادن گروه دولت اسلامی (داعش) ائتلافی تشکیل دادیم.

دومین گام ما این است که بزرگ‌ترین تهدید را مشخص کنیم. یعنی جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین حامی مالی تروریسم، حزب‌الله لبنان و شبه‌نظامیان شیعه عراقی که در عراق برخلاف مصالح ملی این کشور فعالیت می‌کنند.

می‌بینید که در یمن چه اتفاقی می‌افتد.

سازمان ملل در استکهلم به توافق خوبی دست پیدا کرد اما ایرانی‌ها اجازه ندادند این توافق به اجرا دربیاید. باید به ایران تفهیم کرد که حمایت از تروریسم در سراسر خاورمیانه به نفع این کشور نیست".

سپاه چه راهکارهای را برای مقابله با آمریکا در پیش خواهد گرفت؟

این سوال را در بخش دوم جواب خواهم داد.

2۷8d8yI/https://bit.ly
2v8RjcN/https://bit.ly
2۷oux5r/https://bbc.in
2۷882LI/https://bit.ly
https://bit.
2XaDZAC/ly
2InBBĐk/https://bit.ly
2UpkItb/https://bbc.in
2Iw5y3g/https://bit.ly
1r26/https://tjp.de

آزادی سندیکایی : حق یا عنوانی مجرمانه؟



دکتر فراز فیروزی

تضمین حق هر کس بر تشکیل اتحادیه و مشارکت در آن و همچنین تشکیل فدراسیون و کنفدراسیون های ملی کرده است.

آزادی تشکل به عنوان حقوق بنیادین کار:

متعاقب تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ نسبت و رابطه میان حقوق مندرج در اعلامیه و معیارهای اعلامی سازمان جهانی کار (ILO) همواره مورد توجه بوده است. یک ربع قرن قبل از استقرار حقوق بشر در اعلامیه جهانی آزادی تشکل در زمره ارزش های اساسی در سند تاسیس این سازمان تصریح شده است. رنه کاسن (Renecassin)، نویسنده اصلی اعلامیه جهانی حقوق یشر خود در سال ۱۹۵۰ اظهار داشت که اساسنامه سازمان جهانی کار

۸ مقاله نامه را به عنوان حقوق بنیادین مورد شناسایی قرار داده و رعایت آن‌ها را حتی برای کشورهایی که به آن‌ها ملحق نشده‌اند الزامی قلمداد می‌نماید. گرچه به تعبیری می‌توان همه معیارهای مصوب سازمان بین المللی کار را به نحوی با حقوق بنیادین شخصیت کارگر مرتبط دانست. این مقاله نامه‌ها عبارتند از: ۱- آزادی انجمن و حمایت از حق تشکل (مقاله نامه شماره ۸۷ و ۹۸) ۲- لغو کار اجباری (مقاله نامه های شماره ۲۹ و ۱۰۵) ۳- تساوی مزد و منع تبعیض (مقاله نامه های شماره ۱۰۰ و ۱۱۱) ۴- سن کار و ممنوعیت کار کودک (مقاله نامه های شماره ۱۳۸ و ۱۸۲)

دفاع از آرمان های انقلاب اسلامی را عهده دار هستند. شبیه ترین واحد کارگری که مسامحتا بتوان آنرا مدافع حقوق کارگران دانست در ماده ۱۳۱ تحت عنوان انجمن صنفی تعریف شده که با قیود و محدودیت های زائد الوصف در آیین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد انجمن های صنفی مواجه است. مضاف بر این به دلالت محدودیتی که تبصره ۴ ماده مقرر داشته هر واحد کارگری فقط می تواند یکی از شورای های اسلامی، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشد. در عمل و با لحاظ اقتصاد دولت محور موجود اساسا استقلالی در خصوص تشکیل یک انجمن مدافع حقوق کارگران وجود ندارد و سیطره همه

حق بر آزادی تشکل در حقوق داخلی:

۱. قبل از انقلاب ۵۷ قانون کار مصوب ۱۳۳۷ سندیکا را به رسمیت شناخته بود اما با وقوع انقلاب و الغای قوانین مربوطه در هیچ یک از متون قانونی تصریحی به عنوان سندیکا وجود ندارد. در پیش نویس قانون اساسی در اصل ۲۶ مقرر شده بود" تشکیل احزاب، جمعیت ها و انجمن های دینی، سیاسی و صنفی آزاد است مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی،حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند". اما مجلس خبرگان قانون اساسی در اصل ۲۶ با اضافه کردن موازین اسلامی نه تنها ابهامات زائد الوصفی را در خصوص آزادی تشکل ایجاد نموده بلکه ازحوزه مفهومی سندیکا



سال‌هاست کارگران ایرانی صرفا به دلیل پیگیری حقوق و مطالبات مشروع خود مواجه با برخورد قهر آمیز امنیتی، بازداشت و احکام ناعادلانه می باشند. از جمله این حقوق، حق بر ایجاد تشکل مستقل کارگری است. تنها در پرتو برخورداری از این حق است که دیگر حقوق جمعی کار می تواند تحقق یابد. به همین دلیل سازمان جهانی کار آزادی سندیکایی و حمایت از حق تشکل را حقوق بنیادین کار اعلام کرده است. با این وجود رویکرد تقنینی در حقوق داخلی مبین مفهومی مضیق ازاین حق بوده که ضمن تعارض با استانداردهای جهانی کار راه را بر جرم انگاری فعالیت تشکل های مستقل باز گذاشته است. نوشتار پیش روی با لحاظ استانداردهای بین المللی به بررسی نظام حقوقی حاکم بر موضوع می پردازد.

آزادی تشکل در اسناد بین المللی حقوق بشر:

برخورداری از آزادی تشکل در مفهوم عام آن شرط لازم برای نهادینه شدن دموکراسی است. چرا که جامعه مدنی در قالب این نهادهای سیاسی، صنفی و کارگری می تواند رعایت حقوق مشروع خود را از دولت ها پیگیری کند. در این راستا ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر که جایگاه عرفی در حقوق بین الملل یافته است، مقرر داشته که هر شخص محق است در جهت دفاع از حقوق و منافع خود اتحادیه تشکیل یا به اتحادیه بپیوندد. به لحاظ اهمیت موضوع جامعه بین المللی طی حقوق معاهده‌ای نیز این حق را مورد تصدیق قرار داده است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد در ماده ۲۲ ضمن شناسایی آزادی ایجاد تشکل، محدودیت های ناظر بر آن را صرفا در خصوص تعارض با نظم و منافع اجتماعی آن هم در یک جامعه دموکراتیک می‌داند.

ایضا حقوق و آزادی های سندیکایی به عنوان مهمترین حق از نسل دوم حقوق بشر از جایگاه ویژه ای در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار شده است. آنچنان که ماده ۸ میثاق دولت ها را مکلف به

به مضاف بر این به دلالت اصل چهارم قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات کشور بایستی در انطباق با شریعت(فقه امامیه) باشد. این نگرش فقهی اساسا با موضوعات حقوق عمومی که از جمله آن استانداردهای جهانی ناظر برکار شایسته می باشد، بیگانه است. که توالی فاسد آن سیطره نگرش حقوق خصوصی مبتنی بر رضایت طرفین فارغ از تاثیر پذیری نهادهایی جمعی نظیر سندیکا است. پیگیری تشکل سندیکا **کارگری به مثابه اقدام علیه امنیت ملی:**

متعاقب عدم پذیرش آزادی سندیکایی در حقوق موضوعه ایران رویه دستگاه امنیتی که همواره با تایید محاکم همراه است، نیز مبین مجرمانه بودن تلقی کردن هر گونه فعالیت برای ایجاد تشکل های کارگری مستقل است. در طی سالیان اخیر جمعیت قابل توجهی از فعالان سندیکایی با محکومیت های سنگین به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق پیگیری ایجاد تشکل‌های مستقل برخوردار بوده اند. حتی سازمان جهانی کار نیز طی گزارش خود در کیس شماره ۲۵۰۸ در خصوص شکایت تشکلات کارگری بین المللی علیه جمهوری اسلامی اعلام داشته که جمهوری اسلامی پیگیری تشکل سندیکای مستقل کارگری را معادل عنوان مجرمانه اقدام علیه امنیت ملی می داند. کمیته آزادی انجمن بدین ترتیب تعقیب فعالان کارگری از جمله ابراهیم مددی و رضا شهابی را مورد انتقاد قرار می دهد و دولت جمهوری اسلامی را از تحدید این حقوق مشروع برحذر می دارد .

در پرتو آنچه از نظر گذشت: حق بر آزادی سندیکایی منطق با استانداردهای جهانشمول حقوق بشر از جمله میثاقین حقوق بشری و حقوق بنیادین کار در نظم حقوقی داخلی جمهوری اسلامی وجود ندارد. این تنها نهادهای کارگری مورد حمایت حاکمیت هستند که اجازه فعالیت در محیط کار را دارا می باشند که آن هم هیچ تاثیری بر بهبود وضعیت کار و تحصیل حقوق مشروع کارگران نداشته و صرفا پاسدار ارزش های ایدیولوژیک حاکمیت می باشند. هیچ گونه تسامح و مدارایی به تشکل های کارگری خارج از سازو کار قانونی وجود ندارد و هر گونه عضویت در تشکل هایی نظیر کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری با عناوین اتهامی مبهم نظیر اقدام علیه امنیت ملی مواجه می باشند.

جانبه نهادهای حاکمیتی نظیر سازمان بسیج کارگری کشور بر محیط کار این امید حداقلی را نیز دریغ نموده است. نظم حقوقی کنونی ناظر بر تشکلات کارگری هیچ انطباقی با مفهوم آزادی سندیکایی در نظام حقوق بین الملل بشر که استقلال و آزادی از حاکمیت که سنگ بنای سندیکای کارگری را تشکیل می دهند، ندارد. رویه شورای نگهبان قانون اساسی نیز موید این مطلب است که اصل ۲۶ قانون اساسی حصری بوده می باشد و مصادیق خارج از آن مغایر قانون اساسی است (نظریه شماره ۹۸۵۵ مورخ ۱۳۶۶/۹/۱۹) همچنین شورا در قضیه اطلاق اجازه تاسیس نهادهای حامی حقوق زنان از جمله زنان کارگر در بند د. ماده ۱۱۴ قانون چهارم برنامه را مغایر اصل ۲۶ قانون اساسی دانست (نظریه شماره ۸۳۳۳ مورخ ۱۳۸۳/۴/۴).

که صرفا دفاع از حقوق ومنافع کارگران را بر عهده داشته باشد، به شدت فاصله گرفته است. آنگونه که در صورت مشروح مذاکرات خبرگان قانونی نیز مشبوت است، در دستور جلسه بررسی اصل ۲۶ لفظ سندیکا قید شده لیکن نائب رئیس جلسه پیشنهاد می دهد "مسئله سندیکاها مورد بحث است که آیا سندیکا باشد یا شوراها؟ لاقلا اینجا سندیکا را تثبیت نکنید" بدون دلیل و هرگونه بحث بیشتری لفظ سندیکا از متن پیشنهادی حذف و توسط بهشتی به رای گذاشته و با کسب اکثریت به تصویب می رسد . ۲. در قوانین عادی فصل ششم قانون کار مصوب ۱۳۶۹ به تشکل های کارگری و کارفرمایی پرداخته است. ماده ۱۳۰ این قانون به انجمن های اسلامی اختصاص یافته که اساسا نسبتی با حقوق و منافع کارگران نداشته و عمدتا وظیفه

به دلالت مقاله نامه شماره ۸۷ کارگران محقند آزادانه تشکل مورد نظر خود را ایجاد و خود اساسنامه و آیین نامه‌ها را تنظیم و مقامات اداری حق تحدید چنین حقوقی را ندارند. سازمان جهانی کار با این اعتقاد که آزادی تشکل مهم‌ترین وسیله در تحصیل حق بر کار است آیین نظارتی ویژه‌ای در این خصوص ایجاد کرده است. این آیین از سال ۱۹۵۰ و با توافق سازمان ملل متحد ایجاد گردیده و براساس آن دو ارگان یکی کمیته آزادی تشکل و دیگری کمیسیون تحقیق و سازش تأسیس و به آن‌ها اجازه داده شد که حتی از کشورهای از جمله ایران که به مقاله نامه‌های مربوطه ملحق نشده اند بخواهد اصل مزبور را رعایت کنند. کمیته در پاسخ به ایراد دولت آفریقای جنوبی مبنی بر این که آن کشور به مقاله نامه های راجع به آزادی تشکل نپیوسته و تعهدی نسبت به آن ندارد، اعلام نمود که هریک از کشورهای عضو سازمان بین المللی کار با قبول عضویت سازمان متعهد شده اند به اساسنامه سازمان احترام بگذارند و آن را رعایت کنند و اصل آزادی سندیکایی هم یکی از این اصول اساسنامه است .

اولین نمونه از ایجاد مبنای قراردادی برای حقوق بین المللی راجع به آزادی‌های بنیادین فرد بود. بدین سان تمام مقاله نامه‌ها و توصیه نامه‌های سازمان جهانی کار در جهت ارتقاء حقوق بشر و حمایت از آن به درجات مختلف است. این ارتباط میان معیارهای جهانی کار وحقوق بشر همواره اهمیتی درجه اول برای ارکان سازمان جهانی کار داشته است و شاهد آن این که بیست و ششمین کنفرانس بین المللی این سازمان در فیلادلفیا تاکید شد که کار کالا نیست، آزادی بیان و اجتماع یکی از شرایط اساسی پیشرفت است و مبارزه با فقر مبین این تحول نو بود و همچنین تاکید مجدد که " انسان‌ها باید صرفنظر از نژاد عقیده یا جنس حق دارند که پیشرفت مادی و شکوفایی معنوی خود را آزادانه و با برخورداری از کرامت انسانی و نیز تمتع از امنیت اقتصادی با فرصت مساوی دنبال کنند". در ادامه همین روند بود که کنفرانس بین‌المللی کار درطول هشتاد و ششمین اجلاس خود در سال ۱۹۹۸ بدون هیچ گونه مخالفتی "اعلامیه سازمان جهانی کار دررابطه اصول و حقوق بنیادین کار را تصویب نمود". سازمان دراین اعلامیه

NO::13100:0:https://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB.NO:3297433:COMMENT_ID_P13100:13100:

مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی-جلسه بیست و ششم.

groups/public/---ed_norm/---relconf//https://www.ilo.org/wcmsp5

استهلاک بنگاه‌های دروغ‌پراکنی رژیم در خارج

پی بردن به این زمینه باعث شده که جمهوری اسلامی به شکل وسیعی اقداماتی را در جهت کنترل و اعمال نفوذ بیشتر براین رسانه‌ها در دستور کار قرار دهد. طبیعتا جمهوری اسلامی اطلاعات دسته‌بندی شده و آمارهای مشخصی از وضعیت رسانه‌های داخلی را در اختیار دارد و به خوبی بر این واقعیت واقف است که ریزش مخاطبین در داخل عملا در درازمدت، تبعات جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. پس سعی خواهد کرد تا حد توان نفوذش در این رسانه‌ها را گسترش دهد. این رویکرد دو هدف حیاتی را تعقیب می‌کند. نخست اینکه طیفی از مخاطبین ریزشی داخل را مایوس کرده و در گام دوم با استفاده از اعتماد حداقلی که اشاره شد، بخش وسیعی از مخاطبین این رسانه‌ها را در مسیر مشخصی قرار دهد. به این ترتیب که همان گفتمان غالب داخلی را صیقل داده و در فضای به ظاهر بازتری ارائه دهد. باید اعتراف کرد که جمهوری اسلامی تا مقطع کنونی به موفقیت‌های گسترده‌ای در این زمینه دست یافته است. اما طبق شواهد کنونی این راه پیموده شده و به نقطه‌ی پایان نزدیک می‌شود. البته این روند تدریجی و



کیوان درودی

سال‌هاست که رسانه‌های فارسی‌زبان فعال در خارج ایران اهم مسائل حیاتی در داخل را به گونه‌ای سویه‌دار و تقلیل‌گرایانه پوشش می‌دهند و این رویه با فشار بر هسته‌ی سخت جمهوری اسلامی نمود بارزتری پیدا کرده است. مجموعه‌ای محدود از افراد و چهره‌های سابقا شناخته شده که به طور مداوم به عنوان کارشناس و فعال به برنامه‌های مختلف دعوت می‌شوند. کسانی که غالبا با لحنی انتقادگرایانه ظاهر می‌شوند واما در محتوا آنچه که بعنوان نقد ارائه می‌دهند، تفاوتی با آن دست از

انتقادات سطحی متعارف که هر روز در جراید داخلی منتشر می‌شود؛ ندارند. در کنار این گروه مجریانی هستند که در شبکه‌های اجتماعی با صراحت از مداخله‌جویانه‌ی سپاه پاسداران در منطقه حمایت می‌کنند و تشخیص آن‌ها از

یک سردار سپاه بدون یاری تصویری که پیشتر از آن‌ها بعنوان مجری در ذهن داریم، بسیار سخت است. از منظر یک بیننده‌ی – عادی و نه حرفه‌ای – سخنان یک کارشناس که از یک آزادی بیان حداقلی به یمن خروج از ایران برخوردار است، می‌تواند نزدیکتر به واقعیت‌هایی باشد که در داخل توسط دستگاه‌های سانسور حذف یا تحریف می‌شوند. پس تصمیم می‌گیرد بنا بر ذهنیتی که از وضعیت اختناق داخلی دارد، پوشش رسانه‌های فعال در خارج از ایران را پیگیری کند. این زمینه‌ای است تا مسیر خود را از برنامه‌های کلیشه‌ای و ایدئولوژیک شبکه‌ی یک و روزنامه‌هایی که رویه‌ی تکذیب و تحریفشان واضح و مبرهن است تغییر داده و به رسانه‌های دیگری روی بیاورد. این زمینه در اغلب طیف‌های اجتماعی کهنسالها دروغ‌پراکنی رسانه‌ای در ایران را تجربه کرده‌اند وجود دارد.

قن‌ها از فجایی که جامعه را تهدید می‌کند و در مقابل بزرگنمایی آن‌ها به سبک پروپاگانداهای دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم اسلامی از شگردهاییست که سالهاست دراین رسانه‌ها تکرار می‌شود. کسانی که هیچ نشانی از اخلاق و مسئولیت انسانی و اجتماعی در دیدگاه‌هایشان پیدا نیست. این افراد مسئله‌ی مالباخته‌گان، مافیای اقتصادی و گرانی کمرشکن، فساد سیستماتیک بانکی و اداری، اعتیاد، خشونت‌های روزانه‌ی خیابانی، گورخوابی، اعدام و مسائل از این دست را نادیده گرفته و سعی می‌کنند که این بحرآن‌ها را به عرصه‌ی امنیتی بکشانند. انگار که در تمام جهان تنها ایران است که درگیر رقابت‌های منطقه‌ای است و تمامی گروه‌های افراطی منطقه از سوی کشورهای همسایه با یک "توطئه ضد ایران" اجیر شده‌اند تا مانع از پیشرفت‌های خارالعاده‌ی چهل سال اخیر زمام‌داری جمهوری اسلامی شوند. خوشبختانه یا متأسفانه درهفته‌ی گذشته نزدیک به تمامی گروه‌های افراطی منطقه با دعوت جمهوری اسلامی به داخل جغرافیای ایران سرازیر شدند و این خط بطلانی قاطع بر ادعاهای این افراد بود. یکی دیگر از کلیشه‌های این



زمان‌بر بوده و به شکل عجیبی با اعمال فشار بین‌المللی بر رژیم رابطه‌ی مستقیم داشته است. آنچه واضح است این است که مارا تن رسانه‌ای جمهوری اسلامی برای به سخره گرفتن افکار عمومی تاب تحمل رویدادهای آتی را نخواهد داشت. روند اخیر با قرار گرفتن سپاه پاسداران در جایگاه حقیقی‌اش سرعت بیشتری به خود گرفته و همزمان با افزودن نام سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی بسیاری از این چهره‌ها بدون هیچگونه واهمه‌ای خود را سپاهی (تو بخوان حامی تروریسم) معرفی کرده‌اند. طی مدت گذشته هشتگ من_سپاهی‌ام بر صفحات این افراد در شبکه‌های اجتماعی نقش بسته و همزمان با این موضعگیریه‌ا از هر تریبونی برای تهییج توده‌ها و فرافکنی از موضوع نقش سپاه پاسداران و ماهیت تروریستی و ضدبشری آن استفاده کرده‌اند. تقلیل بحر

خواهر عربستانی از هنگ کنگ را بعنوان داغترین سوژه به مخاطبین عرضه می‌کنند. ترور "احمد نیسی" از رهبرهای جنبش آزادی‌بخش اهواز در لاهه‌ی هلند تنها به صورت موردی مورد اشاره قرار می‌گیرد اما موضوع قتل "خاشقچی" روزنامه‌نگار عرب هفته‌ها سوژه‌ی اصلی این رسانه‌هاست و در چارچوب تخاصم ناموجه جمهوری اسلامی با کشورهای عرب و بویژه عربستان بازنمایی می‌شود. پدیده‌ی کولبری بعنوان یک معضل اجتماعی منبعث از سیاست‌های تبعیض‌آمیز حاکمیت از یک بعد مشخص (ضربه به تولید داخلی) برجسته و تحلیل می‌شود و در حالی که شیرازه‌ی جامعه از در شرف از هم پاشیده شدن است مدیران این رسانه‌ها مسئله‌ی اجتهاد و "صلاحیت و عدم صلاحیت شرعی" خامنه‌ای را هفته‌ها به بحث می‌گذارند. انتقادات از رییس‌جمهوری آمریکا در فضای دموکراتیک آن کشور را به گونه‌ای سویه‌دار بازتاب می‌دهند و با این هجمه از شانتاژ وانمود می‌کنند که بحرآن‌های داخلی ایران هیچ پیوند معناداری با مناسبات قدرت و جامعه و مافیاهای حکومتی درون جمهوری اسلامی ندارد و هرآنچه

یک ایران را تهدید می‌کند از یک جایی به توطئه‌ی کشورها ی به اصطلاح جمهوری اسلامی متخاصم " متخاصم " ایران اسلامی متصل است. همین زمینه‌های می‌شود تا با زوهای سرکوب داخل

مشروعیت سرکوب بیشتری کسب کنند. از ای حیث به قول فلاحیان، وزیر سابق اطلاعات "نیاز به پوشش امنیتی و طلاعاتی از طریق تامین روزنامه‌زنگاران" بسیار نتیجه‌بخش می‌نماید. موج اعتراضات اخیر در صفحات کاربران شبکه‌های اجتماعی به این رسانه‌های معلوم‌الحال مهر تاییديست بر تاریخ انقضای سازوکارهای رسانه‌ای و عدم شرافت کاری و مسئولیت اخلاقی آن‌ها نزد افکار عمومی جامعه‌ای که تحت چهار دهه زمامداری جمهوری اسلامی به آخرین ایستگاه‌های حیات فرهنگی ا اجتماعی‌اش نزدیک می‌شود. همانطور که اشاره شد با تحولات پیش رو نباید آینده‌ی آنچنان روشنی برای این "ایادی استبداد" متصور شد و روزشمار به طرز فجیعی بر خلاف بافته‌های ذهنی ارتجاعی آن‌ها رو به جلو در حرکت خواهد بود.

کوردستان

سونامی تورم



خالد درویژه

تورم –inflation– از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموما به معنی افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود و در واقع روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است. بسیاری از اقتصاددانان رشد عرضه پول مازاد بر رشد اقتصادی را عمده‌ترین دلیل تورم می‌دانند، به عبارت دیگر تورم تناسب نداشتن حجم پول در گردش با عرضه کالاها و خدمات می باشد.

نگاهی اجمالی به شاخص‌های رسمی اقتصاد در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از روند رو به افزایش روز به روز چنین شاخصی در طی چهل سال حاکمیت رژیم حکایت دارند، که در نتیجه عدم تعادل میان درآمدها و هزینه‌های دولت کسری بودجه دولت را دربر داشته و رژیم جهت جبران کسری به جای علت‌یابی و خشکاندن ریشه‌های افزایش چنین پدیده‌ای کما فی سابق و همانند سایر معضلات که در کلیت خود ناشی از ساختارهای ناکارآمد اقتصادی، نبود بازارهای رقابتی سالم، انحصار بازار، سرمایه و عوامل تولید در دست اختاپوس سپاه پاسداران و گروه‌های وابسته به بیت رهبری و رانت خواری و... اقدام به چاپ اسکناس بدون پشتوانه یا استقراض از بانک مرکزی به گونه‌ای که تحلیل‌گران بانک مرکزی را جیب دولت و حاکمیت نامیده‌اند، کرده است و در نهایت به افزایش تورم افسارگسیخته‌ای دامن زده است که اینک سونامی تورم تعبیری به مراتب خفیف‌تر و ناقص جهت توصیف وضعیت کنونی بازار و رکود اقتصادی می‌باشد.

وضعیت شکننده‌ای که حتی سازمان‌ها و نهادهای حکومتی هم که هرازگاهی با ارائه آمار و ارقام نادرست و هدفمند سعی در تحریف واقعیت‌های موجود در جامعه می کنند، توانایی لاپوشانی و انکار آن را ندارند. به شیوه ای که در تازه ترین گزارش مرکز آمار ایران در غیاب و سکوت بانک مرکزی، میانگین نرخ تورم دوازده ماه منتهی به فروردین ۹۸ را سی و شش دهم درصد و نرخ تورم نقطه به نقطه فروردین ۹۸ را نسبت به فروردین ۹۷ میزان پنجاه و چهاردهم درصد عنوان کرده است.

آنچه از روز روشن تر است و بدون ذکر دلایل علمی و به کارگیری شاخص های اقتصادی مردم خود با لمس کردنش دست به گریباند و تورم لجام گسیخته دست در حلق مردم نای نفس کشیدنشان را می فشارد، گویای واقعیت‌های غیر از داده های رژیم می باشد.

صندوق بین المللی پول در تازه ترین گزارش خود قبل از ۱۲ اردیبهشت ،پایان دوره ۱۸۰روزه معافیت‌های امریکا برای فروش نفت و گاز ایران به هشت کشور بدان اشاره کرده است، نرخ رشد اقتصادی را منفی ۶ درصد و میانگین نرخ تورم ۲۰۱۹را بالاتر از ۵۰درصد یعنی هم ردیف با سودان و پایین تر از ونزوئلا و زیمبابوه پیش بینی کرده است که بدون شک به دنبال لغو معافیت های فروش نفت و گاز ایران به کشورهای مورد نظر میزان رشد اقتصادی بسیار وخیم تر از آمار مورد اشاره و نرخ تورم هم به مراتب بالاتراز امار اعلام شده صندوق بین الملی پول خواهد شد.

وضعیت نابسامان اقتصادی که به دلیل وابستگی کامل بودجه و درآمدهای رژیم به صنعت نفت و گاز با علم به اینکه تامین بودجه سال ۹۸براساس صادرات ۱میلیون ۵۰۰هزار بشکه نفت در روز به دنبال تحریم های امریکا که به دنبال سیاست های مخرب و تنش زای رژیم مقرر گشته است، اگر نه باطل بلکه به دور از انتظار خواهد بود، بسیار شکننده تر از حال خواهد شد. در چنین اوضاع و احوالی است که دولت جهت تامین فصلهای بودجه سال ۹۸ با چالش جدی روبرو گشته و ساختارهای سیاسی و اقتصادی رژیم منبعث از حاکمیت ولی فقیه که فی نفسه مولد فساد سیستماتیک و رانت خواری و ناکارامدی بوده و خواهند بود، رژیم را در باتلاق باورهای غیرمنطقی، خرافی و ناکجاآبادی بیشتر فروود خواهد برد.

باشد که اتحاد و همکاری ملل تحت ستم و گروه‌های دموکراتیک، مترقی و آزادیخواه، همراه با سونامی اعتراضات گسترده و رو به فزونی همه اقشار جامعه بساط رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی را در هم شکسته و با ایجاد حکومتی دموکراتیک و فدرال همه ملل تحت ستم در سایه آن از زندگی درخورشان مستفید گردند.

آغازی نو با احساسی مشترک در بین کورد و لور!



اردلان بهروزی

دورتری تا کنون ساکنان ثابت و نگه دارنده‌ی رشته کوه های زاگروس به شمار آمده اند که در امتداد تاریخ سیاسی- اجتماعی خود به شیوه های مستقل، شبهه حکومت، سلسله های اتابکان-والی ها، میرنشینی، ساتراپ نشینی و رئیس العشایری... صاحب صلاحیت و اقتدار منطقه ای بوده اند و بسیاری از سنگ نوشته و نوشتارهای کتبی موجود خود مؤید بر صحت این نوشته ها خواهد بود.

هر چند هر کدام از این دو به سهم خویش و در دوره های پی در پی مورد هجوم متخاصمان خارجی و همسایه و مرکزگرایان به اصطلاح هم سرزمینی خویش واقع شده اند، اما قادر نبوده اند به کلی نه سرزمین آنها را غصب کنند و نه تمامی فرهنگ و زبان آنها را ذوب و به آرشپو تاریخ بپارند؟!

کوردها و لورها در سمت شرقی کوردستان امروزی در امتداد جغرافیای پهناور رشته کوه‌های زاگروس تحت لوای حکومت های مادها، حسونیه، زند و... در دیار زاگروس ائتلاف و منافع مشترک اتنیکی و منطقه ای با هم داشته اند، اگر چه بعد از روی کار آمدن

دولت شیعه صفویه و سنی عثمانی، کوردها و لورها که از وارثین حکومت و طایفه های مادها به شمار آمده اند ولی دو حکومت مذهبی مذکور به طور مداوم سعی کردند به شیوه ای هدفمند و سیستماتیک دیوار تفرقه و افکار فصل کردن را در جغرافیای مردمان زاگروس نشین برپا کنند تا بهتر بتوانند از یک طرف دموگرافی منطقه را تکه تکه و به هم بزنند و به سهولت قادر شوند که آنها را همچون ابزاری در جهت منافع سیاسی-اجتماعی خویش به کار ببرند، تداوم این سیاست ها به نسبت کوردها و لورها در طول فرمانروایی چندین حکومت متفاوت و پشت سرهم ادامه داشته است تا اینکه بعد از انقراض سلسله ی قاجاریه، حکومت پادشاهی پهلوی به سرکردگی رضاخان میرپنج با به عرصه ی حکومت اداری ایران امروزی گذاشت. رضاه شاه بعد از سپری کردن مدت کوتاهی از حکومتش تمامی سران ساتراپ نشین، والی و اتابکی، میرنشین و رئیس العشایر غرب ایران را خلع قدرت و به زندان معروف قصر قجر تهران روانه کرد و پدیده ای ناسازگار و تقلیدی در آن زمان تحت عنوان " ملت-دولت" با زور و خصلت

دیکتاتورانه به ساکنان ایران تحمیل کرد که در ذات سیاسی و دولنداری خود ترویج و پیاده کردن یک ملت، یک زبان و یک فرم لباس در ایران امروزی را به همراه داشت. در پس این پروسه اگر چه کوردها و لورها با هزینه کردن ارزش های ملی و اجتماعی مقاومت و ایستادگی شجاعانه ای را در قبال این سیاست سفید و آسیمیله ی فرهنگی، زبانی و تاریخی رضاخانی را از خود نشان دادند، اما شوربختانه با وجود آن همه رشادت و پایداری آثار عمیق زبان بیگانه و احساس به فرهنگ مرکزگرایی، بیشتر در مناطق بخش لورنشین پیاده و دیده می شود و علاوه بر این، لورها بر اساس همین یادآوری‌ها و فراز و نشیب های سیاسی-اجتماعی که همچون سایر ملیت های ساکن ایران امروزی با آن همراه و درگیر بوده اند در امتداد زمانه از پیکره‌ی هویت اصلی فاصله گرفته اند! اما از لایه ای دیگر توانسته اند در برابر دشمنان خود تاکنون مایه های اساسی از فرهنگ و ادبیات و سرزمین تاریخی هویت لور را پا برجا حفظ و پاس دارند. اما به نسبت ندای که امروزه ناشی از سیاست های دیکتاتور

مذهبی و عدم مدیریت آنها و همچنان حوادث مصنوعی- طبیعی زلزله و سیلابها و غیره که زندگی حال و آینده ی مردمان ساکن ایران را دچار اختلال، ویرانی و ناامیدی کرده است، متأسفانه مردمان لور و کورد از زمره سهامداران این پدیده ها هستند و در این راستا همچنانکه قرائن نشان می دهد در زلزله‌ی سال گذشته در استان کرمانشان مردمان لور از جمله مردمانی بودند که در کمک کردن به نسبت حوادث مذکور با درکی انسانی-ملی از راه‌های ممکنه کمک های خود را به مردمان این مناطق به انجام رساندند که این امر مهم خود به تنهایی نمی تواند فقط در قالب احساس انسانی خلاصه شود، بلکه به نظر می آید این همان عاطفه و درکی است که ریشه در گذشته های دور همگام با مخرج مشترک تاریخی، زبانی، فرهنگی و سرزمینی سر برآورده است که بایستی آنرا به فال نیک گرفت! در پس پرده ی دیگر، متأسفانه سیلاب اخیر در وسعتی گسترده تر در فلات ایران ویرانی‌های جانی-مادی و مسکنی را به بار آورد که در این حوادث غیرمترقبه مناطق کورد و بویره سرزمین لورنشین بی نصیب نبودند و

لورها و کوردها اگر چه از قدمتی بسیار کهن برخوردارند، اما کندوکاوی به نسبت آنها در ژرفای تاریخ می تواند سرزمینی گسترده و دموگرافی پرتراکم از تیره و طایفه و اقوامی را به عرصه ی حیات تمدنی و اجتماعی بشریت از خود به نمایش بگذارد که امروزه جواب گوی بسیاری ازابهامات و حتا از سویی سوال برانگیز برای کنشگران اتنوگرافی و دیرینه شناس‌های تاریخی خواهد بود.

اینها از جمله خالص ترین نزادهای بوده اند که در ادوار

تورم در ایران سیر صعودی خود را ادامه می‌دهد

ترجمه از انگلیسی: آرمان حسینی

(CPI) را بین دو دوره ۱۲ ماهه مورد بررسی قرار داده است. نرخ تورم نقطه به نقطه کشور، تغییر در شاخص مصرف کننده در یک ماه خاص را در مقایسه با همان ماه در سال گذشته اندازه گیری می کند. نمودار مربوطه این دو شاخص تورم را در سه سال گذشته مقایسه می کند، در حالی که نرخ تورم ماهانه را نیز نشان می دهد. در ماه آوریل ۲۰۱۸، آخرین ماه قبل از خروج آمریکا از توافق هسته ای، نرخ تورم سالانه در ایران ۸ درصد بوده است، رقمی که به مدت بیش از دو سال تغییر کرده است. نرخ تورم نقطه به نقطه در آن

خطر به تهران نشان می دهند زیرا که عیان می کند که در اثر مداخله در بازار ارز به عنوان وسیله ای برای کنترل تورم، کاهش می یابد.

در ماه آوریل ۲۰۱۸ نرخ تورم ماهانه ایران ۱.۱ درصد بود. با کاهش ریال، نرخ ماهانه در ماه سپتامبر به ۷.۱ درصد افزایش یافت. در تابستان سال ۲۰۱۸، تهران برای کاهش تقاضا و افزایش عرضه در بازارهای ارز خارجی حرکت کرد که میزان آن در ماه‌های اکتبر تا ژانویه به ۲.۶ درصد یا کمتر از سال گذشته رسید - هنوز هم زیاد، اما قابل تحمل است. سپس تورم ماهانه در ماه فوریه به ۳.۹ درصد و در ماه مارس ۴ درصد افزایش یافت.

آخرین ارقام نشان می دهد که هزینه‌ها به ویژه مواد خوراکی به سرعت افزایش یافته است، با افزایش ۱۲.۲ درصد نقطه به نقطه ۸۵.۲ درصد. افزایش قیمت ها برای گوشت ۱۱۶ درصد، میوه ۱۱۱.۶ درصد و سبزیجات ۱۵۷ درصد بیشتر بوده است. تلاش های تهران برای

پرداخت یارانه مواد خوراکی و کشاورزی از طریق نرخ ارز مناسب برای واردکنندگان اثر مطلوبی نداشته، احتمالا

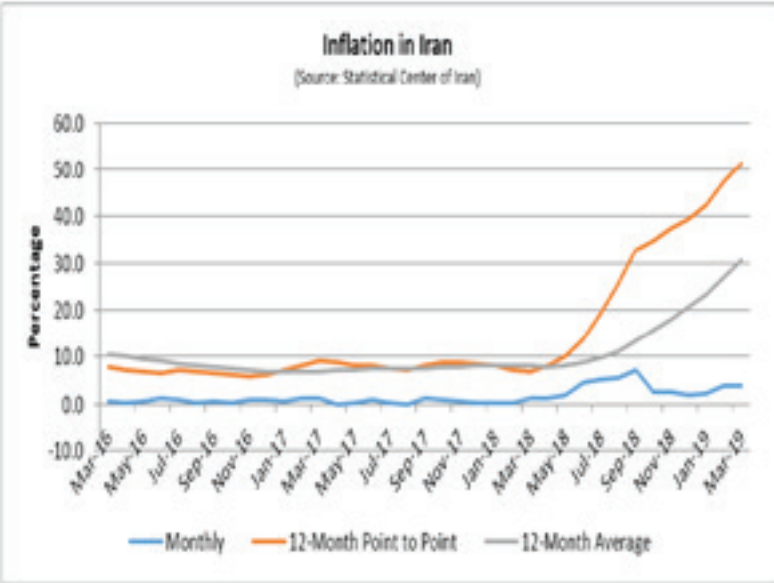


سرسام‌آوری افزایش داشته بگونه‌ای از توان تحمل مردم عادی خارج است و در این میان نیز بخش‌های ذی ربط

ارز آن کاهش می یابد. رژیم احتمالا با سرخوردگی های عمومی روبه‌رو می شود و منابع مجرّدی را از پروژه های زیربنایی به کالاهای مصرفی ضروری اختصاص می دهد؛ این ممکن است قیمت ها را کاهش دهد، اما به احتمال زیاد بیکاری را افزایش خواهد داد در حالی که جلوگیری از رشد توسعه، ناشی از سرمایه گذاری عمومی

بدون هماهنگی اطلاع قبلی دست به افزایش نرخ خدمات بهداشتی و درمانی کرده‌اند این در حالی‌ست که دولت مدعی است، این بخش از جमत اجتماعی از سوی دولت کاملا حمایت می‌شوند. ضعف اقتصاد ایران به مراتب فراتر از نرخ تورم و یک ارز ناچیز است. صندوق بین المللی پول پیش بینی می کند که رکود کنونی در سال کنونی بدتر شود و منجر به کاهش ۶ درصدی تولید ناخالص داخلی شود. احتمال افزایش تورم همچنان رو به افزایش است، زیرا درآمد تهران از صادرات نفت کاهش می یابد و ذخایر قابل دسترس

به دلیل فساد عمیق ریشه دار این طرح نیز با شکست کامل روبه‌رو بوده است. همچنین تاثیر روانشناختی افزایش قیمت مواد غذایی ممکن است به این دلیل باشد که اغلب مصرف کنندگان چنین خریدهایی را انجام می دهند. در مقایسه با افزایش قیمت مواد غذایی، نرخ تورم نقطه به نقطه برای خدمات آب و برق ۲۹.۴ درصد، اجاره مسکن ۲۴.۷ درصد و مراقبت های بهداشتی ۲۷.۲ درصد در رده‌ی کمترین افزایش‌ها قرار می گیرند. با این حال، نرخ هزینه‌ی بهداشت و درمان بصورت



دوره مشابه بوده است. آخرین داده‌ها یک سیگنال

نرخ تورم سالانه تغییر در شاخص قیمت مصرف کننده

احضار پروانه حسین‌پناهی به اطلاعات



خواهر رامین حسین‌پناهی، زندانی سیاسی اعدام شده به اداره اطلاعات سندج احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. روز دوشنبه نهم اردیبهشت‌ماه، پروانه حسین‌پناهی، خواهر رامین حسین‌پناهی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به اداره اطلاعات سندج احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است.

نیروهای اطلاعاتی این شهروند کرد را تهدید کرده‌اند که به هیچ وجه پیگیر محل دفن برادرش نباشند.

چند سال پیش، پروانه حسین‌پناهی به اتهام "تماس با رسانه‌های خارج از کشور و تبلیغ علیه نظام" به پنج سال حبس تعلیقی محکوم شده بود.

کومله به اعدام با طناب دار در محوطه زندان سندج" محکوم و این حکم روز پنج‌شنبه پنجم بهمن‌ماه سال ۹۶ به وکیل پرونده‌اش ابلاغ شد.

روز سه‌شنبه بیست و یکم فروردین‌ماه سال ۹۷ در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در قم حکم اعدام رامین حسین‌پناهی تایید شد.

سحرگاه روز شنبه هفدهم شهریورماه سال ۹۷، رامین حسین‌پناهی و زانیار و لقمان مرادی در زندان رجایی‌شهر کرج اعدام شدند. رامین حسین‌پناهی، روز جمعه دوم تیرماه سال ۹۶ توسط نیروهای سپاه بازداشت و دادگاه انقلاب سندج طی حکمی این زندانی سیاسی کرد را به اتهام "بغی و عضویت در

بیکاری، خودکشی یک جوان ۲۴ ساله در ثلاثباباجانی را رقم زد



به نام "زهره کهنه‌پوشی" فرزند محمود با اقدام به خودسوزی به زندگی خود پایان داد. این زن به دلیل شدت جراحات وارده ناشی از سوختگی جان خود را از دست داده و از دلیل خودسوزی وی اطلاعی در دسترس نیست.

ثلاثباباجانی با اقدام به خودکشی جان خود را از دست داد. این جوان به دلیل بیکاری اقدام به خودکشی و به زندگی خود پایان داده است. در همین رابطه نیز، روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه، یک زن میروانی

یک جوان کرد اهل شهرستان ثلاثباباجانی در استان کرمانشان به دلیل بیکاری اقدام به خودکشی کرد. شامگاه روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه، یک جوان کرد به نام "عثمان رستمی" ۲۴ ساله فرزند سعید اهل روستای "برکور" از توابع شهرستان

یک کولبر کرد به ضرب گلوله نظامیان حکومتی در مرز نوسود کشته شد



ششم اردیبهشت‌ماه، یک کولبر کرد به نام "حامد اصلان" ۳۲ ساله اهل روستای "بیران" از توابع سردشت بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی زخمی شد. این کولبر کرد در مکانی به نام "زینوی کوان" در نزدیکی روستای "بیتوش" هدف شلیک مستقیم نظامیان حکومتی قرار گرفته بود.

جوانزود جان خود را از دست داده است. این گروه از کولبران بدون اخطار قبلی از سوی نظامیان حکومتی مستقر در پاسگاه شوشمی از توابع نوسود مورد شلیک مستقیم قرار گرفته‌اند. جسد کولبر جان باخته در این حادثه به یزشکی قانونی پاهو منتقل و تا کنون به خانواده‌اش تحویل داده نشده است. در همین رابطه نیز، روز جمعه

یک کولبر کرد اهل شهرستان جوانزود بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در مرز نوسود جان باخت. پامداد روز شنبه چهاردهم اردیبهشت‌ماه، گروهی از کولبران کرد در مرز نوسود مورد تیراندازی نظامیان حکومتی قرار گرفته‌اند و در نتیجه یک کولبر کرد به نام "صادق عزیزی" اهل روستای "بیوه‌نه" از توابع بخش کلاشی

مراسم بهارانه ژاورود لغو شد



منبع آگاه، نیروهای اطلاعاتی و نیروهای سپاه پاسداران به محل برگزاری این مراسم یورش برده و از برگزاری آن ممانعت بعمل آورده‌اند. این منبع آگاه افزود: شماری از فعالان مدنی به نام‌های طارق رحیم‌پور، قانع رضایی، مختار کریم افشار، غفور یاری و ادیب خودایار به اداره اطلاعات سندج احضار و تهدید شده بودند. این منبع

مراسم بهارانه ژاورود در سندج با فشار اطلاعات و سپاه پاسداران لغو گردید. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، روز جمعه سیزدهم اردیبهشت‌ماه، مراسم بهارانه ژاورود با دخالت نیروهای اطلاعاتی و نیروهای سپاه پاسداران در "کوچکه سور" روستای اویهنگ از توابع سندج لغو شد. به گفته یک

منبع آگاه، نیروهای اطلاعاتی و نیروهای سپاه پاسداران به محل برگزاری این مراسم یورش برده و از برگزاری آن ممانعت بعمل آورده‌اند. این منبع آگاه افزود: شماری از فعالان مدنی به نام‌های طارق رحیم‌پور، قانع رضایی، مختار کریم افشار، غفور یاری و ادیب خودایار به اداره اطلاعات سندج احضار و تهدید شده بودند. این منبع

اطلاعات بوکان یک شهروند کرد را بازداشت کرد

مأموران اطلاعاتی وابسته به اداره اطلاعات بوکان بازداشت شد. به گفته یکی از نزدیکان این شهروند کرد، بازداشت این شهروند کرد بدون ارائه مجوز قانونی صورت گرفته است. این منبع آگاه اظهار داشت: نیروهای اطلاعاتی این شهروند کرد را به اتهام همکاری با

نیروهای اطلاعاتی یک شهروند کرد اهل بوکان را بازداشت کردند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، روز یکشنبه هشتم اردیبهشت‌ماه، یک شهروند کرد به نام "آرمان نصیری" ۳۷ ساله فرزند عثمان اهل "امیرآباد" بوکان در منزل پدری از سوی

نیروهای اطلاعاتی یک شهروند کرد اهل بوکان را بازداشت کردند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، روز یکشنبه هشتم اردیبهشت‌ماه، یک شهروند کرد به نام "آرمان نصیری" ۳۷ ساله فرزند عثمان اهل "امیرآباد" بوکان در منزل پدری از سوی

بازداشت یک فعال کارگری در سندج

از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت گردید. این فعال کارگری در شهرک "نایسر" سندج توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

این فعال کارگری در حین بازداشت با مادر و خواهرش بوده است.

تا لحظه انتشار این خبر، از دلیل یا دلایل بازداشت این فعال کارگری اطلاعی در دسترس نیست.



آژانس خبرسانی کردپا، روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه، یک فعال کارگری کرد به نام "اسحاق روحی" اهل سندج

یک فعال کارگری کرد اهل سندج توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شد. براساس گزارش رسیده به

دو کاسبکار کرد بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی جان باختند



نظامیان حکومتی قرار گرفته‌اند و پس از واژگونی خودرو در دم جان خود را از دست دادند. نظامیان حکومتی به ظن حمل کالای قاچاق این دو کاسبکار کرد را مورد تیراندازی قرار داده‌اند. این دو کاسبکار اشنویه‌ای در مکانی به نام "چل آشان" در نزدیکی پارک جنگلی

دو کاسبکار کرد اهل شهرستان اشنویه بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی جان خود را از دست دادند. روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه، دو کاسبکار کرد اهل محله "امیر آباد" اشنویه به نام‌های "نعمت سعادت و رفوف خالذنزاد" در خودروی شخصی هدف شلیک مستقیم

دو کاسبکار کرد اهل شهرستان اشنویه بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی جان خود را از دست دادند. روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه، دو کاسبکار کرد اهل محله "امیر آباد" اشنویه به نام‌های "نعمت سعادت و رفوف خالذنزاد" در خودروی شخصی هدف شلیک مستقیم